

گلشن

۱۴
در تاریخ هنر و معماری ایران زمین
فصلنامه، سال چهارم، شماره ۴ (شماره پیاپی ۱۴)
زمستان ۱۳۸۷

گولستان

در تاریخ هنر و معماری ایران زمین

فصلنامه، سال چهارم، شماره ۴ (شماره پیاپی ۱۴)، زمستان ۱۳۸۷
شاپا: ۳۸۹۰-۱۷۳۵
دارای اعتبار علمی- پژوهشی از نظر فرهنگستانهای چهارگانه جمهوری اسلامی ایران

صاحب امتیاز: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران
مدیر مسئول: میرحسین موسوی
سر دبیر: مهرداد قیومی بیدهندی

اعضای هیئت تحریریه:
یعقوب آژند استاد دانشگاه تهران
زهره اهری استادیار دانشگاه شهید بهشتی
شهرام پازوکی دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
اکبر حاجی ابراهیم زرگر استاد دانشگاه شهید بهشتی
سیدمهدی حسینی استاد دانشگاه هنر و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
محمد رضا رحیم زاده استادیار دانشگاه شهید بهشتی
زهره رهنورد استاد دانشگاه تهران و عضو پیوسته فرهنگستان هنر
مهرداد قیومی بیدهندی استادیار دانشگاه شهید بهشتی و عضو وابسته فرهنگستان هنر
هایده لاله استادیار دانشگاه تهران
هادی ندیمی استاد دانشگاه شهید بهشتی و عضو پیوسته فرهنگستان علوم

ویراستاران: ولی الله کاوسی، مهدی مقیسه
مترجم خلاصه انگلیسی: مریم قیومی
طراح جلد: سیدپارسا بهشتی شیرازی
امور دفتری: طیبہ ایللیات

لیتوگرافی: فرارنگ
چاپ و صحافی: شادرنگ؛ کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص کرج،
بعد از چهارراه ایران خودرو، خ ۴۹، ک دوم، ش ۸،
تلفن: ۴۴۱۹۴۴۴۲

نشانی دفتر مجله: تهران، خ ولی عصر (ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،
کد پستی ۱۵۱۱۹۱۳۵۱۱
تلفن و دورنگار: ۸۸۷۲۸۱۵۲
نشانی شبکه: www.honar.ac.ir/golestanehonar.htm
پست الکترونیکی سردبیر: Qayyoomi@eiah.org

- سیدمحسن حبیبی، رعناسادات حبیبی ♦ صورخیالِ مکتب شهرسازی اصفهان در نگاره‌ها ♦ ۵
- امیرحسین کریمی، پرویز هلاکویی ♦ معماری و تزیینات بنای پیرحمزه سبزویش ابرکوه
و بررسی انتساب آن به آرامگاه عزیزالدین نسفی ♦ ۱۸
- علمدار حاجی محمدعلیان ♦ محوطه تاریخی سپهزوی نایین ♦ ۳۰
- محسن جاوری ♦ یافته‌های تازه در میدان عتیق اصفهان ♦ ۳۵
- هایدی والشیر ♦ در میانه فردوس و دارالسلطنه: نشانه‌شناسی اصفهان صفوی ♦ ترجمه اردشیر اشراقی ♦ ۴۰
- نزار الضیاد ♦ مدل‌سازی شهرهای سنتی اسلامی ♦ ترجمه مریم قیومی ♦ ۵۵
- رابرت هیلنرند ♦ جنبه‌های معماری تیموری در آسیای میانه ♦ ترجمه داود طبایی ♦ ۶۵
- ساناز رنجی، حسین سرپولکی ♦ سیر تحول لعاب سلادون ♦ ۸۳
- آلگ گرابار ♦ تأملی در هنر قاجاری و اهمیت آن ♦ ترجمه ولی‌الله کاوسی ♦ ۹۵
- ولادیمیر مینورسکی ♦ عوامل جغرافیایی در هنر ایرانی ♦ ترجمه داود طبایی ♦ ۹۹
- هاشم بناءپور ♦ بررسی کتاب: تاریخچه تقویمی هنر و معماری اسلامی ♦ ۱۱۹

◆ **گلستان هنر** فصلنامه‌ای است پژوهشی در زمینه تاریخ هنر و مطالعات تاریخی هنر و معماری حوزه تمدنی ایران بزرگ، که در هر فصل منتشر می‌شود.

◆ برای اطلاع از ضوابط تنظیم مقاله به این نشانی مراجعه کنید:
<http://www.honar.ac.ir/golestanehonar.htm>

◆ **گلستان هنر** در این موضوعها مقاله می‌پذیرد:

مبانی نظری تاریخ هنر، روشهای تاریخ‌نویسی هنر، منابع تاریخ هنر ایران، مطالعات تاریخی موارث هنری حوزه تمدنی ایران بزرگ (جهان ایرانی)، مطالعات تاریخی هنرهای معاصر ایران، نقد و بررسی کتاب و مقاله، معرفی کتاب.

کوتاه نوشته‌ها و نشانه‌ها

پ	صفحه پشت (در نسخه خطی / عکسی)
ت	تصویر؛ شکل؛ نمودار؛ جدول
ج	جلد
چ	نوبت چاپ
ح	در حدود
حک	حکومت
ر	صفحه رو (در نسخه خطی / عکسی)
ر-پ	صفحه رو و پشت (در نسخه خطی / عکسی)
س	سطر
سم	سانتی‌متر
ش	شماره (قبل از عدد)؛ هجری شمسی (بعد از عدد)
ص	صفحه؛ صفحات
(ص)	صلی الله علیه و آله
(ع)	علیه السلام؛ علیها السلام؛ علیهما السلام؛ علیهم السلام
ف	فوت
ق	هجری قمری (بعد از عدد)
قس	قیاس کنید با
ق م	قبل از میلاد مسیح (بعد از عدد)
گ	برگ
م	میلادی (بعد از عدد)
م م	میلی‌متر
— م.	مترجم
نک:	نگاه کنید به؛ رجوع کنید به
و	ولادت
— و.	ویراستار
همان	همان مؤلف، همان اثر (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن بلافاصله در قبل آمده باشد)؛ (در کنار نام مؤلف) همان اثر (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن با فاصله در قبل آمده باشد)
همان‌جا	همان مؤلف، همان اثر، همان جلد، همان صفحه (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن بلافاصله در قبل آمده باشد)
همو	همان مؤلف، اثر دیگر (در پی‌نوشت، در ارجاع به اثر دیگری از مؤلفی که نام او بلافاصله در قبل آمده باشد)
/	یا؛ جداکننده دو مصرع از یک بیت
[]	مشخص‌کننده اضافات مؤلف یا مترجم یا ویراستار به متن منقول (اعم از تالیف و ترجمه و تصحیح)
{ }	مشخص‌کننده اضافات مؤلف یا مترجم یا مصحح اول در مطالب نقل در نقل
_____	تکرار نام مؤلف (در کتاب‌نامه)

◆ مقاله خود را به یکی از این نشانیها بفرستید:
 ۱. Qayyoomi@eiah.org
 ۲. دورنگار: ۸۸ ۷۲ ۸۱ ۵۲
 ۳. با پست سفارشی یا پوشتا به نشانی:
 تهران، خ. ولی عصر(ع)، جنب پارک ساعی، ش ۱۱۰۵،
 کد پستی ۱۵ ۱۱۹ ۱۳ ۵۱۱

◆ پاسخ داوری هر مقاله حداکثر ۶۰ روز پس از وصول به دفتر مجله از طریق پست الکترونیکی یا دورنگار به صاحب مقاله اعلام می‌شود.

A.D.	بعد از میلاد مسیح
B.C.	قبل از میلاد مسیح
c.	در حدود، در حوالی
ch.	فصل
ed.	ویراستار؛ مصحح
eds.	ویراستاران؛ مصححان
f.	و بعد؛ صفحه بعد
ff.	و بعد؛ صفحات بعد
fig.	تصویر
figs.	تصاویر
ibid.	همان مؤلف، همان اثر (در حاشیه، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن بلافاصله در قبل آمده باشد)
idem.	همان مؤلف، اثر دیگر (در پی‌نوشت، در ارجاع به اثر دیگری از مؤلفی که نام او بلافاصله در قبل آمده باشد)
no.	شماره
nos.	شماره‌های
op. cit.	(در کنار نام مؤلف) همان اثر (در پی‌نوشت، در ارجاع مکرر به اثری که نشانی آن با فاصله در قبل آمده باشد)
p.	صفحه
pp.	صفحات
pl.	لوحة
pls.	لوحه‌ها
r.	صفحه رو
transl.	ترجمه
v.	صفحه پشت
vol.	جلد
vols.	جلدها

سیر تحول لعاب سلادون

سفال از کهن‌ترین و مهم‌ترین ساخته‌های انسان است. هزاران سال قبل، زمانی که انسان اولیه به ظرف برای نگهداری غذا پی برد، با به کارگیری خلاقیت خود در استفاده از خاک موفق به ساخت ظروف سفالین اولیه شد. سفالینه‌های اولیه خشن بود و فرم‌های ساده و دست‌ساز داشت؛ ولیکن با گذشت زمان اختراع چرخ سفالگری، تنوع و ظرافت بیشتری یافت.

در میان آثار به‌دست‌آمده در کاوش‌های باستان‌شناسی، سفال همواره جایگاهی ویژه داشته است؛ چراکه به بهترین نحو از فرهنگ، شیوه زندگی، طرز تفکر، و باورهای دینی اقوام مختلف حکایت می‌کند.

کهن‌ترین قطعات سرامیکی‌ای که در ایران به دست آمده سفالینه‌های متعلق به هزاره هشتم قبل از میلاد است، که در منطقه گنج‌دره، در غرب کرمانشاه، و نیز در نزدیکی بهشهر، در مازندران، کشف شده است.^۲

پیشینه کاربرد لعاب در ظروف سفالین در ایران به حدود هزاره اول قبل از میلاد می‌رسد. قبل از این زمان هم لعاب در ایران شناخته بود — چنان‌که در سطح آجرهای معبد چغازنبیل (قرن سیزدهم قبل از میلاد) لعاب دیده می‌شود — ولی کاربرد آن عمومیت نداشت.^۳ در دوره‌های بعد، استفاده از پوشش‌های لعابی رواج بیشتری یافت. نمونه آن کاشیهای لعاب‌دار زیبای دوره هخامنشیان در شوش و تخت جمشید و ظروف لعاب‌دار تکرنگ آبی و سبز در دوره‌های اشکانیان و ساسانیان است.^۴

در سده اول/هفتم، با ورود اسلام به ایران، سفالگری وارد مرحله‌ای جدید شد که بدان سفالگری دوران اسلامی می‌گویند. با استقرار شریعت اسلام، پیکره‌سازی و ساخت ظروف طلا و نقره از رونق افتاد؛ اما در مقابل، سفالگری شکوفا شد و بسیار گسترش یافت و شهرهایی نظیر ری، کاشان، نیشابور، گرگان، ساوه، کرمان، ری به مناطق مهم سفالگری ایران تبدیل شد. کهن‌ترین نمونه به‌دست‌آمده از سفالینه‌های اولیه اسلامی مربوط به قرن دوم/هشتم است. این سفالینه لعاب ندارد و نقش‌های روی آن بسیار ساده است.

ظاهراً در صدر اسلام صنعت سفالگری ساده و کاربردی بوده و در آنها جنبه‌های کاربردی بر زیبایی ارجحیت داشته است؛ اما به تدریج در آن از طرح‌ها و نقوش ادوار قبل از اسلام، همچون ساسانی و هخامنشی،

ظرف با پوشش لعاب سلادون محصولی سرامیکی است که در کنار آثار شکفت‌انگیزی چون زرین‌فام، مینایی، آبی‌وسفید جایگاهی ارزشمند دارد. نخستین بار در حدود دوهزار سال قبل از میلاد، تلاش سفالگران چینی در تولید ظروفی مشابه سنگ یشم، که نزد آنان بسیار باارزش و گران‌بها بود و حرمت بسیار داشت، به ساخت ظروف سلادون انجامید. این ظروف در کشورهای دیگر، چون ایران، کره، ترکیه، همچون زادگاهش ارزشمند بود و در این سرزمین‌ها در زمان‌های مختلف تقلیدهای بسیاری از نوع اصلی آن صورت گرفت. در این زمینه، در ایران تلاش‌های بسیاری شد و کانون‌های متعدد ساخت ظرف سلادون پدید آمد.

در زمان حمله مغولان، که سفالگری ایرانی به لحاظ ویران شدن بسیاری از مراکز اصلی دچار رکود نسبی شده بود، ظهور ظروف سلادون در منطقه کرمان به این هنر و صنعت دوباره جان بخشید؛ آن‌چنان‌که در برخی از منابع، از سفال ایرانی در ذیل سفال کرمان یاد شده است. این شکوفایی در دوره‌های تیموریان و صفویان نیز ادامه یافت و مراکز گوناگون سفالگری با لعاب سلادون در ایران فعال شد. سفالگران ایرانی اگرچه از الگوهای چینی تقلید می‌کردند، به تدریج ذوق و فن ایرانی را نیز در آن وارد کردند و سلادونی خاص ایران پدید آوردند.

در این مقاله می‌کوشیم به این قطعه گم‌شده از تاریخ سفال اسلامی پردازیم و جایگاه آن را در میان سفالینه‌های این دوران در ایران روشن کنیم.

تعریف سلادون

واژه سلادون در فرهنگ لغت فرانسه به فارسی^۷ به معنای سبز روشن و مغزپسته‌ای آمده است؛ و در فرهنگ مختصر آکسفورد^۸ به معنای لعاب سبز مایل به خاکستری که بر برخی از سفالینه‌ها می‌دهند.

سلادون نام خانواده‌ای از لعاب‌هاست که در تاریخ سرامیک جهان پیشینه‌ای دیرینه دارد. این لعاب نخستین بار در چین (در حدود ۱۶۰۰ ق.م)، که از مراکز مهم و اصلی ظهور و تکامل ظروف سرامیکی پخته در دمای بالا است، ساخته شد.^۹

سفالگران چین همواره توجه و دقت خاصی به اثر مواد و عناصر مختلف در بدنه و لعاب داشتند و هم‌زمان با پیشرفت در تولید بدنه‌های پخته در دمای بالا، توجه آنان به چگونگی و تأثیر لعاب‌های فلدسپاتیک^(۲) بر بدنه سرامیکی جلب شد. آنان متوجه شدند که اکسید آهن موجود در این لعاب‌ها در محیط احیایی کوره طیف گسترده رنگی شامل سبز، سبز مایل به خاکستری، زیتونی، سبزی، آبی، زرد کاهی، و قهوه‌ای ایجاد می‌کند. از این راه، آنان توانستند اشیایی همانند سنگ‌های سخت، با استحکام بسیار و گاه قیمتی بسازند که امروزه سلادون نامیده می‌شود.^{۱۰} شباهتهای بسیار زیاد رنگ سلادون به سنگ یشم^(۱) (ت ۱)، که چینیان ارزشی فوق‌العاده برای آن قایل بودند و کنده‌کاریهای زیبایی بر آن می‌کردند، موجب اهمیت بسیار این لعاب شد و حتی سالیان دراز، استادان این صنعت طرز ساختن آن را راز می‌شمردند و فقط به شاگردان خاص خود می‌آموختند.

ویژگیهای لعاب سلادون

از جمله ویژگیهای این لعاب طیف رنگی گسترده‌اش (از سبز تا قهوه‌ای) است. این تنوع رنگی بسته به ضخامت لعاب و شرایط کوره متفاوت است. همچنین این لعاب موجب می‌شود که برجستگیهای نقوش بر ظرف بهتر نمایان شود. مهم‌ترین نقوش ظروف سلادون نقش ماهی، نیلوفر آبی (لوتوس)، ابرهای پیچیده چینی، و سایر



ت ۱. بشقاب با نقش ماهی، سنگ یشم، چین

بهره گرفتند و به جنبه‌های زیبایی نیز توجه کردند. از انواع ظروف سفالین لعاب‌دار دوران اسلامی در ایران می‌توان از سفالینه‌هایی با لعاب لاجوردی، لعاب زرین‌فام، لعاب مینایی، لعاب آبی‌وسفید، و لعاب سلادون^(۱) یاد کرد.

بر طبق مدارک و شواهد تاریخی، ظرف سلادون نخستین بار در اواخر دوره ایلخانیان از چین وارد ایران شد.^۵ چین کانون ایجاد سرامیک در دمای بالاست. سفالگران چینی از دوران نوسنگی توانایی و بی‌همتایی‌شان را در این صنعت نشان دادند. دمای کوره‌های آنان در دوران باستان تا حدود ۱۲۰۰ درجه سانتی‌گراد نیز می‌رسید؛ در حالی که در مراکز سفالگری اروپا و آسیا، دمای کوره‌ها از حدود ۹۰۰ درجه سانتی‌گراد فراتر نمی‌رفت.^۶

شکوه و جلوه ظروف سلادون سفالگران ایرانی را، همچون همتایانشان در دیگر سرزمینها، مبهوت و شگفت‌زده کرد و آنان را واداشت در تقلید از سلادون چین بکوشند. گرچه تقلیدهای اولیه سفالگران ایرانی ضعیف و خام‌دستانه بود؛ به‌مرور زمان به چنان پیشرفتی دست یافتند که تشخیص نمونه‌های اصل و تقلیدی دشوار می‌نمود. سفالگران ایرانی با ذوق و خلاقیت خویش توانستند، طرحهای بدیعی از سلادون را خلق کنند. با این همه، از جایگاه این گونه سفالینه در منابع چندان سخنی نرفته و در این باره تحقیق کافی نشده است.

- (1) celadon
(2) feldspathic

ت ۲. (راست) تجزیه و
تحلیل شیمیایی لعاب و
بدنه یک قطعه سلاودن

ت ۳. (چپ) گلدان
سلاودن لانگ کوئان



رنگ همه سلاودنهای لانگ کوئان سبز تا آبی
است. اندکی تغییر در ضخامت لعاب، دمای حرارت‌دهی،
یا شرایط احیا منجر به ایجاد طیف رنگی نسبتاً گسترده‌ای
در کوره می‌شود.

سلاودن لانگ کوئان مطلوب لعابی ضخیم و پرمایه
به رنگ سبز تا آبی دارد که آن را بر بدنه خاکستری داده‌اند
(ت ۳). معمولاً چنین لعابی ترکیب آهک- فلدسپات،
سیلیس، رس، آهن دارد؛ اما برای کسب بهترین نتیجه
شرایط کمکی دیگری نیز لازم است:

۱. ضخامت لعاب: ضخامت لعاب باید در حدود ۱ تا
۲ مم باشد. این ضخامت جلوه عمیقی به ظرف می‌بخشد
که وجهی از حالت رمزآلود سلاودن لانگ کوئان است.
این ضخامت به ترک نخوردن ظرف و موج نداشتن آن
نیز کمک می‌کند.

۲. حرارت‌دهی (پخت احیا): مهم‌ترین معیار برای رنگ
نهایی لعاب دما و زمان حرارت‌دهی است؛ به گونه‌ای که

لعاب	بدنه	MinOr	FerOr	TiOr	NaO	K ₂ O	MgO	CaO	Al ₂ O ₃	SiO ₂
-	-	-	۰/۹۵	-	۰/۴۲	۲/۸۷	۰/۴۴	۸/۴۹	۱۵/۴۰	۶۸/۸۶
-	-	۰/۰۰	۲/۸۰	۰/۴۲	۰/۴۲	۵/۳۲	۰/۴۶	-	۳۳/۸۳	۶۷/۸۲

نقش مایه‌های چینی است.

دنیای شگفت‌انگیز و رمزآلود سلاودن و مجموعه
اعتقاداتی که با ظروف سلاودن عجین شده است از دیگر
ویژگی این نوع سفالینه است؛ مثلاً ایرانیان و ترکان معتقد
بودند که اگر ماده‌ای زهرآلود در آن بریزند بی‌درنگ رنگ
آن دگرگون می‌شود و از وجود زهر خبر می‌دهد.^{۱۲}

ساخت لعاب سلاودن

لعاب سلاودن در دید اول شاید بیش از لعاب آهکی-
قلیایی ساده‌ای حاوی حدود یک درصد اکسید آهن
نباشد که در شرایط احیایی پخته شده است. اما ساخت
لعاب سلاودن اصیل بسیار مشکل است و به مجموعه‌ای
از عوامل متغیر، شامل ترکیب لعاب و شرایط پخت و
ضخامت پوشش، وابسته است.

در برخی از تحقیقاتی که اخیراً در لعابهای
لانگ کوئان^(۳) (متعلق به دوره سونگ^(۴)) به کمک
میکروسکوپی نوری و الکترونی انجام شده است،
ترکیب اصلی و چگونگی حرارت‌دهی لعاب سلاودن را
کاملاً تشخیص داده‌اند؛^{۱۳} مثلاً در مطالعه ریزساختاری
نوعی از لعاب سلاودن، کوارتز برجایمانده و حبابهای
گاز در این لعاب به وضوح مشخص است. از اینجا معلوم
می‌شود که لعاب را تا حد پخت کامل حرارت نداده‌اند؛
علاوه بر این، بقایای کوارتز گواه این است که از ماسه
ریز به منزله ماده خام در لعاب استفاده کرده‌اند. همه
مشاهدات فیزیکی در ظروف لانگ کوئان بر استفاده از
رس مرغوب به منزله ماده خام اولیه همراه با منابع غنی
فلدسپات دلالت می‌کند.^{۱۴}

از سوی دیگر، تجزیه و تحلیل با استفاده از پرتو
ایکس در میکروسکوپ الکترونی ترکیب فلدسپاتی
کم‌پتاسیم با آهک افزوده را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد
که این بدنه‌ها را نیز با مقادیر مساوی فلدسپات پرتاسیم
و خاک چینی (کائولن^(۵)) با سیلیکا^(۶)ی افزوده ساخته‌اند
(ت ۲).^{۱۵}

(3) Lang Kuan

(4) Sung (960-1279 AD)

(5) kaolin

(6) silica (Silicon Dioxide)

ت ۴. سلا دون اولیه،
معروف به زون.
سلسله شانگ،
۱۶۰۰-۱۱۰۰ ق م



(7) zun/ tsun

(8) Shang
(c. 16th-11th
century BC)

(9) porcelain/
porcelaine

(10) Zhou
(c. 11th century-
221 BC)

(11) Warring
States Period
(475-221 BC)

(12) Western
(Former) Han
(206 BC-24 AD)

(13) Three
Kingdoms:
Wei (220-265),
Shu (221-263),
Wu (222-280)

(14) Jin (265-
420 BC)

(15) Southern
Dynasties: Song
(420-479), Qi
(479-502), Liang
(502-557), Chen
(557-589)

(16) Northern
nasties: Northern
Wei (386-534),
Eastern Wei
(534-550),
Western Wei
(535-557),
Northern
Qi (550-577),
Northern Zhou
(557-581)

(17) Yangtze

(18) Tang (618-
907)

(19) Canon of
Tea (8th century
AD)

(20) Lu Yu

منجر به تولید بدنه‌های پورسلن (پُرسلان)^(۹) یا چینی شد.^{۱۸}

طبق آخرین یافته‌ها، قدیمی‌ترین پورسلن چین سلا دون اولیه سلسله‌های شانگ و ژو^(۱۰)، که در اساس به سلا دون سلسله سونگ شبیه است.^{۱۹} پورسلن مستقلاً از سلا دون مشتق شد؛ و به عبارتی سلا دونها نخستین پورسلنها بودند. بنا بر این، ظهور سلا دون اولیه پیشرفتی تاریخی در تحول سرامیک چین در تولید پورسلن نیز به شمار می‌رود.

سلا دون اولیه با ویژگیهایی برتر از سفالهای پیشین به سرعت رواج یافت و هم‌زمان کیفیت آن نیز بهبود یافت. این تحول موجب شد تجارت جدیدی در صنایع دستی پورسلن در کنار تجارت سفال پدید آید. گسترده‌گی تجارت سلا دون اولیه در سراسر چین از قطعاتی از این سفال معلوم می‌شود که در نقاط گوناگون چین یافته شده است.^{۲۰}

در دوره ایالت‌های در حال جنگ^(۱۱) (۴۷۵-۲۲۲ ق م)، بدنه سلا دون خمیری فشرده و شکلهای معمولی داشت. بیشتر ظروف تقلیدی از ظروف مفرغی‌ای بود که در آن دوره تولید می‌شد.^{۲۱} در آغاز سلسله هان غربی،^(۱۲) یعنی قرن سوم قبل از میلاد، مجموعه‌های کاملی از ظروف سلا دون ساخته شد.^{۲۲}

تولید سلا دون در دوره پادشاهیهای سه‌گانه^(۱۳) و سلسله جین^(۱۴) و سلسله‌های جنوبی^(۱۵) و شمالی^(۱۶)، به سبب گسترش مناطق تولید، افزایش بسیار داشت. در دوره سلسله هان، مراکز تولید سلا دون چین در استانهای کناره‌های میانی و پایینی رودخانه یانگ‌تسه^(۱۷) بود؛ ولی در این دوره به بخشهای بالای یانگ‌تسه و مناطق دیگر هم کشیده شد.^{۲۳}

در دوره سلسله تانگ^(۱۸) با گسترش مناطق تولید سلا دون، کیفیت تولیدات هم افزایش یافت. در این بهبود کیفیت، برخی از کوره‌های پورسلن بسیار مؤثر بود. در آن دوره، کوره‌های پورسلن را به نام مکانشان می‌خواندند و این‌چنین، مکاتب گوناگون ظروف چینی تانگ پدید آمد.

از کتاب آداب چای^(۱۹)، که لو یو^(۲۰) در دوره سلسله تانگ در قرن هشتم میلادی نوشت، اطلاعات بسیاری درباره انواع ظروف چینی در مناطق گوناگون

باید به تدریج به دمای نهایی نزدیک شد. حرارت‌دهی کم در لعابهای ضخیم از شره کردن و روان شدن لعاب جلوگیری می‌کند.

۳. لعاب دادن بر بدنه خاکستری آهن‌دار: برای ایجاد رنگ مناسب سلا دون، رنگ بدنه بسیار مهم است؛ مثلاً با بدنه سفید، سلا دونی با رنگ سبز تصنعی به دست می‌آید.

تاریخچه سلا دون

سلا دون نه تنها در زادگاهش، چین، بلکه در سایر سرزمینها نیز مقبول و خواستنی بوده است؛ به‌طوری‌که در کشورهایی چون کره، ژاپن، تایلند، ایران، ترکیه، مصر نمونه‌های بسیاری از سلا دون باقی مانده است.^{۱۶}

سلا دون در چین

اولین سلا دونها ظروفی معروف به زون (تسون)^(۷) بود (ت ۴)؛ مربوط به سلسله شانگ^(۸) (قرن هجدهم تا دوازدهم قبل از میلاد)، که به «سلا دون اولیه» شهرت دارد. این ظروف با سفالهای اولیه که از گل رس ساخته می‌شد عمدتاً در دو جنبه تفاوت دارد:^{۱۷}

۱. در ساخت سلا دون اولیه، از خاک چینی سفید (کائولن) استفاده می‌شد؛

۲. دمای پخت دست‌کم ۱۲۰۰ درجه سانتی‌گراد (محدوده پخت چینی) بوده است، که بسیار بیش از دمای حرارت‌دهی سفال (۸۰۰-۹۰۰ درجه) است.

این دو تفاوت در مواد اولیه مصرفی و دمای حرارت‌دهی

ت. ۵. ظرف سلادون
دوره سونگ



بیش از دوره سونگ به تزیین توجه می کردند و در تزیین از فنون متنوع تری بهره می گرفتند؛ اما تنوع نقش و نگارهای آن از نقوش ظروف سونگ کمتر است و در آنها بیشتر از نقش نیلوفر و گل صدتومانی استفاده شده است. گاه از نقش جانوران واقعی یا افسانه‌ای، از قبیل ماهی، اژدها، آهو، ققنوس؛ یا طرحهای انتزاعی، مانند طرحهای پیچ‌دار، موج، گلبرگی، مشبک و علامتهای مختلف هم استفاده کرده‌اند. از ابزارهای متداول تزیین سلادون در این دوره مهرهای طرح‌دار و مدور است که آنها را در مرکز ظرف می‌کوبیدند.^{۲۹}

در سال ۱۳۶۸ م، سلسله بومی مینگ^(۲۳) جانشین سلسله مغولی یوئان شد. در دوره این سلسله، ظرف چینی (پورسلن) در جینگ‌دژن^(۲۴)، در ایالت جیانگ‌زی^(۲۵)، به‌وفور ساخته شد. در دوره یوئان، اصالت ظروفی که در کوره‌های لانگ-کوئان ساخته می‌شد محفوظ مانده بود؛ اما در دوره مینگ در این کوره‌ها سلادونهایی ساختند که در طرح و رنگ متأثر از چینی جینگ دژن بود. این طرحها چندان مناسب ظروف سلادون نبود؛ به همین علت، سلادون لانگ-کوئان در دوره سلسله مینگ هیچ‌گاه به مقام سلادونهای یوئان و سونگ نرسید. رونق کوره‌های جینگ دژن افول کوره‌های لانگ-کوئان را به همراه

چین به دست می‌آید. او علاوه بر فهرست کردن محصولات مناطق معروف، آن محصولات را از نظر مناسبت برای نوشیدن چای نقد کرده است.^{۲۴}

یکی دیگر از جالب‌ترین نکات در مورد ظروف سلادون در دوره تانگ کاربرد این ظروف به منزله ساز است.

در دوره سونگ، ساخت سلادون در چین به اوج رسید (ت. ۵)؛ چندان‌که واژه سلادون با دوره سونگ مترادف شده است.^{۲۵} مهم‌ترین مرکز ساخت سلادون در این دوره لانگ-کوئان بود.

در سال ۱۲۶۰ م، سلسله سونگ جنوبی^(۲۱) بر اثر تهاجمات پیوسته قُبلائی قآن، بزرگ‌ترین جانشین چنگیز و مؤسس سلسله مغولی یوئان^(۲۲)، فرو پاشید. با آنکه این سلسله ۱۲۸ سال بیشتر بر چین سلطه نداشت، اثری ژرف بر فرهنگ چین گذاشت.^{۲۶}

مغولان ظاهراً در کار سفالگران چینی، که روزبه‌روز بر مهارت خود می‌افزودند، دخالتی نکردند. آنان از چین برای تجارت بهره بردند. بازرگانان مسلمان ایرانی و عرب از رونق تجارت چین استقبال کردند و بسیاری از آنان در بندرهای جنوب چین سکنا گزیدند. تعداد این بازرگانان چندان بود که در چند شهر جوامع مسلمانان تشکیل شد و خاورمیانه به بازاری مهم برای سرمایه‌های چین تبدیل شد. در این دوره چینی مرغوب لانگ-کوئان را به این بازار می‌آوردند. به همین سبب، عجیب نیست که سبک لانگ-کوئان دستخوش تغییر ناگهانی نشد و به صورت سنتی از سلسله سونگ به سلسله یوئان منتقل شد.^{۲۷}

اهمیت سلادون یوئان در سال ۱۹۷۶ با کشف کشتی‌ای که در اوایل قرن چهاردهم میلادی در خلیج کره غرق شده بود بیش از پیش مشخص شد. محموله کشتی عمدتاً سلادون لانگ کوئان بود، که تاکنون ۹۵۰۰ قطعه از آن بیرون آورده شده است. از این رو، بیشترین تعداد سلادونهای چینی جهان اکنون در موزه ملی کره نگهداری می‌شود، که تاریخ همه آنها به اوایل قرن چهاردهم میلادی برمی‌گردد.^{۲۸}

بدنه و لعاب در ظروف یوئان و سونگ تفاوت چندانی با هم ندارند؛ جز اینکه لعاب یوئان نازک‌تر است و در آن تهرنگ آبی به‌ندرت یافت می‌شود و بیشتر آنها به رنگ سبز مایل به شیری یا زرد است. در دوره یوئان

(21) Nan Sung
(1127–1279 AD)

(22) Yuan
(1271–1368 AD)

(23) Ming
(1368–1644 AD)

(24) Jingdezhen/
Ching-te-chen

(25) Jiangxi/
Kiangsi/ Chiang-
hsi

را در گنجینه سلطان سخت گرامی می‌داشتند و فقط برای ضیافت بیرون می‌آوردند. سلطان سلیم ظروف سلادون را به رسم هدیه شاهانه به پادشاهان دیگر کشورها می‌داد.^{۳۲}

پس از موزه ملی کره، بزرگ‌ترین مجموعه سلادون جهان، با حدود ۱۳۵۰ ظرف از میان بیش از ده‌هزار ظرف چینی، متعلق به موزه توپ‌قایی سرا در ترکیه است. عثمانیان این ظروف را نه از چین، بلکه از ایران و مصر و مانند آنها به کاخ توپ‌قایی آورده‌اند (ت ۶ و ۷ و ۸).^{۳۳}

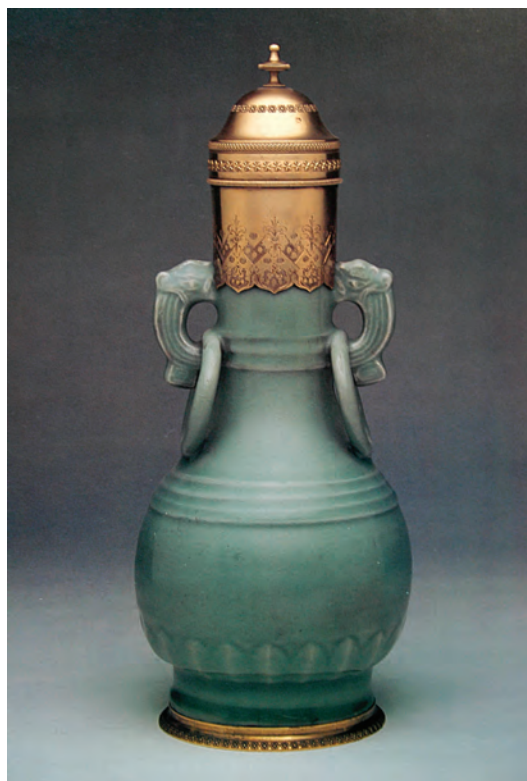
سلادون در ایران

سلادون چین، همانند ظروف آبی‌وسفید، در جهان اسلام همواره مقبول و خواستنی بوده است و هیچ محوطه باستان‌شناسی در خاورمیانه و نزدیک نیست که چنین ظروفی در آن یافت نشود. چنین علاقه‌ای به سلادون چین، سفالگران ایرانی را در اواخر دوره ایلخانیان، و بعد از آن در دوره‌های تیموریان و صفویان، به تقلید از آنها ترغیب کرد.^{۳۴}

ساخت سفال لعاب‌دار پیش از آن نیز در ایران رایج بود؛ مثلاً در دوره سلجوقیان، ری و کاشان مهم‌ترین مراکز سفالگری بود. مغولان ری را در آغاز قرن هفتم/ سیزدهم غارت کردند و از آن پس ظاهراً دیگر سفالگری در آن شهر پا نگرفت. اما در کاشان، که از غارت مغولان در امان مانده بود، تولید ظروف براق با نقوش زیرلعابی ادامه یافت.^{۳۵}

در اواخر قرن هفتم/ سیزدهم و اوایل قرن هشتم/ چهاردهم، مراکز سفالگری جدیدی پدید آمد، که از آن میان می‌توان کرمان، تخت سلیمان، سلطان‌آباد (اراک)، و حومه مشهد را نام برد. علاوه بر این، در شهرهای کوچک نیز کارگاههای سفالگری محلی به ساخت ظروف سفالین پرداختند.

کرمان، که به واسطه خیانت براق حاجب (قتلغ‌خان)، از امیران خوارزم‌شاهیان، از غارت مغولان در امان مانده بود، در این دوره یکی از مراکز مهم سفالگری شد. مغولان براق حاجب را به ولایت کرمان گماردند و او در آنجا سلسله قراختایان کرمان (۶۱۹-۷۰۳ ق) را تأسیس کرد. براق با قوانینی که در کرمان وضع کرد نقشی مهمی در تاریخ سفالگری ایران ایفا کرد.^{۳۶}



ت ۶. ظرف سلادون، موزه توپ‌قایی، استانبول

داشت؛ به‌طوری‌که کوره‌های لانگ-کوئان در این دوره از مرتبه شهرت بین‌المللی به مرتبه محلی نزول کرد.^{۳۰}

سلادون در کره^{۳۱}

ظرف سلادون در کره نیز محبوب و گران‌بها بود و از آن بسیار تقلید می‌کردند؛ چندان‌که در طی پنج قرن حکومت سلسله کوریو^(۲۶)، سلادون اصلی‌ترین محصول سرامیک در کره بود.

سلادون کره از نظر فرم و فنون متأثر از سلادون چین است؛ اما از حیث طراحی سطوح کاملاً بومی و خاص است و در آن از فن محلی خاصی به نام سنگام^(۲۷) استفاده شده است.

اگرچه موزه ملی کره دارای بیشترین تعداد سلادون در جهان است؛ از نظر کیفیت، سلادون چین به مراتب برتر از سلادون کره است.

سلادون در ترکیه

در دربار عثمانی، سلطان سلیم اول (حک ۹۱۸-۹۲۶ ق/ ۱۵۱۲-۱۵۲۰ م) ظروف چینی رنگارنگ بسیاری داشت؛ اما بیش از همه به سلادون علاقه‌مند بود. ظروف سلادون

(26) Koryō (935-1392 AD)

(27) Sanggam

ت. ۷. (راست) بشقاب
سلا دون با نقش
ازدها. موزه توپ قایی،
استانبول، سده چهاردهم
میلادی، دوره یوتان

ت. ۸. (چپ) ابرق
سلا دون. موزه
توپ قایی، استانبول،
سده های چهاردهم و
پانزدهم میلادی



پس از آن، یعنی در دوره های ایلخانیان و تیموریان و صفویان، کرمان همواره در سفالگری و ساختن ظروف سلا دون سرآمد بود؛ آن چنان که در برخی از منابع، ظرف سلا دون را «سفال کرمان» خوانده اند.^{۳۷}

بنا بر متون فارسی، تیمور سفالگران چینی را به ایران فراخواند تا به سفالگران ایرانی بعضی فنونی را که در چین رایج بود آموزش دهند.^{۳۸} گویا این رسم بعدها هم ادامه یافت؛ اگرچه اثبات آن دشوار است.

در سال ۱۳۴۵ش / ۱۹۶۶م، دکتر فیهرواری^(۲۸) به همراه پرفسور سایریل اسمیت^(۲۹) در دو قلعه معروف در کرمان، قلعه اردشیر و قلعه دختر، تحقیقات وسیع باستان شناسی کردند. در قلعه دختر، فقط سفالهای دوران میانه اسلامی، مخصوصاً ظروف لعابی و طلاکاری شده، یافت شد.^{۳۹}

کاوش در قلعه اردشیر دستاوردهای بیشتری داشت. در آنجا علاوه بر ظروف دوران اولیه اسلامی، سلا دونهای اصلی چین و سلا دونهای تقلیدی محلی همراه با تعداد بسیاری تکه های سفال آبی و سفید کشف شد. این تکه ها اکنون در مؤسسه شرق شناسی شیکاگو^(۳۰) و قسمتی هم در مدرسه شرق شناسی و افریقاشناسی در دانشگاه لندن^(۳۱) در بخش جمع آوری اشیای باستانی نگهداری می شود. بعدها نمونه های بیشتری در غنیرا^{۴۰} به دست آمد.^{۴۱}

نمونه ای از سلا دونهای تقلیدی در کرمان کاسه ای مربوط به نیمه اول قرن هشتم / چهاردهم است که کف کم

عمق، کناره های گرد و لبه برگشته، بدنه خاکستری سفید با پوشش فریتی کوارتز^(۳۲) در زیر لعاب سلا دون دارد. در داخل آن سه نقش ماهی قالب گیری شده برجسته است؛ لبه بیرونی ظرف کتیبه ای حک شده دارد و در زیر کتیبه خطوطی شبیه به لبه گلبرگ نقش کرده اند.^{۴۲} آرتور لین^(۳۳) کاسه ای مشابه کاسه یاد شده را منتسب به سلطانیه دانسته است؛ اما تحقیقات باستان شناسی اخیر در استان کرمان در محلی که بازمانده های بسیاری از سلا دونهای چینی و نمونه های تقلیدی محلی در آن یافت شده این احتمال را پیش می آورد که کرمان منشأ این ظروف بوده است.^{۴۳}

گرچه هنوز در صنعت سفال و مراکز آن در دوره تیموریان تحقیق کافی نشده است و آگاهی ما از آن کافی نیست؛ به نظر می رسد که سفالگران آن دوره شیوه سفالگری ایلخانیان را ادامه دادند. در این دوره، سلا دون ظاهر شد و نگاره های این دوره بهترین گواه در این باره است؛ مثلاً در نگاره ای در مجمع التواریخ، سلا دونی به رنگ فیروزه ای می بینیم که با نقوش اسلیمی به رنگ لاجوردی تزیین شده است.^{۴۴}

در دوره صفویه، سفالگران دوباره به ساخت

(28) Geza Fehervari

(29) Syril Smith

(30) School of Oriental and African Studies, University of London

(31) Chicago Oriental Institute

(32) Fritted Quartz

(33) Arthur Lane



ت ۹. (راست، بالا) کوزه
تکرنگ با نقش گل
چهارپر. کرمان، دوره
صفویه، ۱۷-۱۸ م.
موزه طارق رجب،
کویت

ت ۱۰. (راست، پایین)
کوزه چهاروجهی با
لعب سبز. کرمان، سده
یازدهم / هفدهم، موزه
طارق رجب، کویت

ت ۱۱. (چپ) بشقاب
سلادون ایران. کرمان،
دوره صفویه، سده
یازدهم / هفدهم، موزه
طارق رجب، کویت



ظروف سلادون متمایل شدند. شاید این گرایش ناشی از علاقه وافر شاه عباس به جمع‌آوری ظروف چینی باشد. این علاقه به حدی بود که او در مقبره جدش، شیخ صفی‌الدین اردبیلی، در اردبیل چینی‌خانه‌ای ساخت و در کاخ عالی‌قاپو اصفهان اتاقهای مخصوصی را به نگهداری این ظروف اختصاص داد.

در کل ظروف سلادون را، مانند ظروف آبی‌وسفید

این دوره، می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

۱. گروه اول، ظروفی که تحت تأثیر سلادون چین ساخته شد؛

۲. گروه دوم، ظروفی که با ابتکار سفالگران ایرانی با نقوش و تزیین جدید در دوره صفویان رایج شد.^{۴۵}

در سفالینه‌های گروه اول، نقش‌مایه‌های چینی، مانند اژدها و نیلوفر آبی و ماهی، به چشم می‌خورد و ظروف از نظر شکل تا حدی شبیه ظروف ساخت چین است. سفالینه‌های گروه دوم از نظر تزیین با گروه اول تفاوت دارد و رنگ آنها تیره و عموماً به شکل کاسه و بشقاب است. لبه برخی از این ظروف کتیبه دارد.

در میان انواع ظروف این دوره، ظروف تکرنگ^{۴۶} و چندرنگ کرمان نیز دیده می‌شود؛ و این خود گواهی دیگر بر این مدعاست که کرمان در دوره صفویان همچنان از مراکز مهم سفالگری بوده است.

این را که کرمان از مراکز (یا حتی تنها مرکز) تولید ظروف سلادون تقلیدی بوده می‌توان از تعداد بسیار ظروف لعابی تکرنگی دریافت که در آنجا تولید شده است. این ظروف بسیار متأثر از ظروف سلادون است و رنگ آنها (سبز مایل به خاکستری یا سبز متمایل به زرد) نیز شبیه سلادون است. در کنار این رنگها، از رنگهای آبی کبالتی و قهوه‌ای و ارغوانی روشن هم استفاده شده است. هم‌اکنون تعدادی از این ظروف در موزه طارق رجب کویت نگهداری می‌شود (ت ۹ و ۱۰).^{۴۷}

در میان ظروف ایرانی این موزه، ظرف بزرگ

ت ۱۲. (راست) کاسه
سلا دون اصل چینی.
احتمالاً دوره یونان،
موزه ایران باستان،
تهران



ت ۱۳. (چپ، بالا)
بشقاب سلا دون با نقش
ماهی. احتمالاً چینی (با)
توجه به کیفیت طراحی
ماهیها و سنگینی
ظرف، موزه آگینه‌ها و
سفالینه‌های ایران، تهران

ت ۱۴. (چپ، پایین)
بشقاب سلا دون با نقش
ماهی. نمونه تقلید ایرانی
از سلا دون چینی، موزه
آگینه‌ها و سفالینه‌های
ایران، تهران



شبیه‌تر است تا به ماهی چینی (ت ۱۳)، نمونه چینی؛ ت ۱۴،
نمونه ایرانی).

سلا دونهای موزه‌های تهران موزه ملی ایران

بنا به گفته کارشناسان موزه ایران باستان، در این موزه
در حدود شصت ظرف سلا دون نگهداری می‌شود که همه
آنها متعلق به مجموعه بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است.
به جز یک بشقاب با نقش دو ماهی که تاریخ آن سده
هشتم / چهاردهم و متعلق به خراسان است و در بخش
دوران اسلامی قرار دارد، بقیه ظروف سلا دون در انبار
موزه نگهداری می‌شود (ت ۱۲ و ۱۵ و ۱۶).
موزه رضا عباسی

در این موزه نه ظرف سلا دون هست، که همه آنها در
روزگار تأسیس موزه از مجموعه‌داران خصوصی خریده
شده است و به سبب نامعلوم بودن منشأ و هویتشان، آنها



مسطحی با برجستگی و خیاره‌کنی با لبه باریک و گرده‌شده
هست. این ظرف را از سفال قهوه‌ای (ارتن‌ور)^(۳۴) ساخته
و به آن لعاب سبز مایل به خاکستری داده‌اند (ت ۱۱).^{۴۸}

مقایسه ظروف سلا دون اصل و نمونه‌های تقلیدی
یکی از نکاتی که در بسیاری از سلا دونهای تقلیدی ایرانی
مشهود است بدنه ظرف است که معمولاً از جنس سفال
قهوه‌ای (ارتن‌ور) با لعاب سبز مایل به خاکستری است.
این موجب می‌شود ظروف سلا دون تقلیدی سبک‌تر از
سلا دونهای اصل چینی باشد.

نکته دیگر خیاره‌ها و شباهت‌های اطراف برخی
از ظروف سلا دون است. در نمونه‌های ایرانی، رگه‌ها
و خیاره‌ها همگی پهنای یکسانی دارد و معمولاً باریک‌تر
از نمونه‌های چینی است. در نمونه‌های چینی، رگه‌ها با
نقاط لبه ظرف ارتباط دارد. گاه چنین می‌نماید که سفالگر
ایرانی این طرح‌ها را از روی ظروف فلزی قرون اولیه
اسلامی برداشت کرده است، نه از نمونه‌های چینی (ت ۱۱،
نمونه ایرانی؛ ت ۱۲، نمونه چینی).

از سوی دیگر، نقش ماهی از مهم‌ترین نقوش
ظروف سلا دون است؛ لیکن این نقش در ظروف سلا دون
اصل و تقلیدی متفاوت است. سلا دونهای چین همواره
حداقل دو و معمولاً سه یا چند ماهی دارد. در این
سلا دونها، یک ماهی سنگین با برجستگی بسیار به رنگ
قهوه‌ای روشن با لکه‌های رنگی به غیر از رنگ لعاب
ظرف و با جزئیات بسیار دیده می‌شود.

ماهیهای ظروف سلا دون ایرانی بدنی ظریف و بلند
دارد، با جزئیات کم و لبه‌های باریک و نوک تیز که بیشتر
به خطاطی شبیه است. ماهیهای ایرانی به ماهی طبیعی



حاصل سخن

سفال از هنرهای کهن در ایران است و در طی تاریخ طولانی‌اش تحولات بسیاری داشته است. سفالینه نخست صورتی ساده و صرفاً متناسب با کاربرد داشت؛ به مرور آن را با نقوشی مبین اندیشه و بینش و دین اقوام آراستند.

از نقاط عطف در تاریخ سفال ابداع لعاب و فن و هنر لعاب‌دهی است که دنیای سفال را دگرگون کرد. هنرمندان انواع لعاب و شیوه‌های گوناگون لعاب‌دهی ابداع کردند و به تدریج ویژگیهای منطقه‌ای در این فن پدیدار شد.

در میان لعابهای دوران اسلامی در ایران، لعاب سلادون، که شاید از چشم بسیاری از هنردوستان پنهان



ت ۱۵. (راست، بالا)
ظرف سه پایه سلادون
اصل چینی. احتمالاً
دوره یوتان، موزه ایران
باستان، تهران

ت ۱۶. (چپ)
گلدان
سلادون اصل چینی.
احتمالاً دوره یوتان،
موزه ایران باستان،
تهران

ت ۱۷. (راست، وسط)
کاسه سلادون. موزه
رضا عباسی، تهران

ت ۱۸. (راست، پایین)
پشقاب سلادون با
نقش ازدها. موزه رضا
عباسی، تهران



را در معرض دید عموم نگذاشته‌اند (ت ۱۷ و ۱۸).

موزه آبگینه‌ها و سفالینه‌های ایران

بنا بر قول امین اموال فرهنگی موزه، این موزه شش ظرف سلادون دارد که همه از حفاران و فروشندگان قاچاق گرفته شده است. نیمی از این ظروف را در معرض دید عموم گذاشته‌اند (ت ۱۵ و ۱۶).

مانده باشد، از لحاظ هنری و تاریخی جایگاهی مهم داشته است.

سلادون در زمان مغولان و هم‌زمان با ویرانی و غارت آنان و از میان رفتن بسیاری از کانونهای سفالگری ایران به این سرزمین وارد شد و در زمان ایلخانیان پا گرفت. با آنکه سفالگران آن دوره به مواد و خاک مناسب دسترس نداشتند، با وام‌گیری از نمونه‌های چینی و افزودن ابداعاتی از خود آثاری ماندگار پدید آوردند. فن و هنر سلادون چینی محرک و آموزنده سفالگران ایرانی بود؛ اما به تدریج، سفالگران ایرانی موفق شدند آثاری مطابق ذوق ایرانی پدید آورند. □

کتاب‌نامه

- توحیدی، فائق. فن و هنر سفالگری، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
- دورانت، ویل و آریل. تاریخ تمدن، جلد اول، مشرق زمین گهواره تمدن، ترجمه امیرحسین آریان‌پور، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۷.
- رحیمی، افسون و مهران متین. تکنولوژی سرامیکهای ظریف، تهران، شرکت صنایع خاک چینی ایران، ۱۳۶۸.
- کریمی، فاطمه و محمدیوسف کیانی. هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، تهران، مرکز باستان‌شناسی ایران، ۱۳۶۴.
- گاردنر، هلن. هنر در گذر زمان، ترجمه محمدتقی فرامرزی، تهران، نقش جهان، ۱۳۷۸.
- Fehervari, Geza. *Ceramics of the Islamic World in the Tareq Rajab Museum*, I. B. Tausis, 2000.
- . *Islamic Pottery*, Faber and Faber, 1975.
- Grube, Ernest. *Islamic Pottery of the eighth to the Fifteenth Century in the Keir Collection*, Faber and Faber, 1976.
- Krahl, Regina in collaboration with Nurdan Erbahar. *Chinese Ceramics in Topkapi Seray Museum, Istanbul*, Sothebys Publications, 1986.
- Lane, Arthur. *Lather Islamic Pottery: Persia, Syria, Egypt, Turkey*, Faber and Faber, 1971.
- Pop, A. *Chinese Porcelains from the Ardebil Shrine*, Washington, Freer Gallery of Art, 1956.
- Tichane, Robert. *Celadon Blues*, Krause, 1998.
- Wen, Lizhiyan and Cheg. *Chinese Pottery and Porcelain*, China, Foreign Languages Press, 1996.
- <http://netra.glendale.cc.ca.us/ceramics/koryomeiping.html>.
- http://www.turkey.org.cu/english/chinese_ceramics_in_the_topkapi.html.
- پی‌نوشتها:
۱. دانشیار گروه سرامیک دانشکده مهندسی مواد و متالورژی، دانشگاه علم و صنعت ایران
- این مقاله بر مبنای تحقیق این منبع تهیه شده است:
- ساناز رنجی، لعاب سلادون، پایان‌نامه دوره کارشناسی رشته صنایع دستی (گرایش سفال)، استاد راهنما: دکتر حسین سریولکی، تهران، دانشگاه الزهراء، بهار ۱۳۸۶ (منتشر نشده).
۲. افسون رحیمی و مهران متین، تکنولوژی سرامیکهای ظریف، ص ۴۶.
۳. همان، ص ۴۷.
۴. همان‌جا.
5. Arthur Lane, *Lather Islamic Pottery*, p. 105.
۶. رحیمی و متین، همان، ص ۳۹.
۷. سعید نفیسی، فرهنگ لغات فرانسه به فارسی، ۱۳۴۶.
8. *Concise Oxford Dictionary*, 1976.
9. Lizhiyan and Cheng Wen, *Chinese Pottery and Porcelain*, p. 45.
۱۰. سلادون نامی است که فرانسویان در قرن هفدهم با مشاهده این نوع ظروف بدانها دادند.
۱۱. در مقابر چینیان، سنگ یشم به‌وفور یافت شده است؛ چراکه آنان معتقد بودند که این سنگ خاصیت جادویی دارد و از جسد متوفا نگهداری می‌کند.
۱۲. دورانت، تاریخ تمدن، مشرق زمین گهواره تمدن، ص ۹۲۴.
13. Robert Tichane, *Celadon Blues*, p. 55.
14. *ibid.*
15. *ibid.*
۱۶. تا کنون ظرف و لعاب سلادون در اروپا به دست نیامده است و تلاش برای یافتن آن ادامه دارد.
17. Lizhiyan and Cheng Wen, *op. cit.*, p. 8.
۱۸. واژه «پورسلن» از واژه ایتالیایی «پورچل» (purcell) گرفته شده است. «پرسلا» نام حلزونی در دریای مدیترانه است با صدف سفید و نیمه‌شفاف است. اولین بار مارکو پولو در قرن سیزدهم میلادی از این کلمه برای نامیدن ظروف چینی استفاده کرد. — رحیمی و متین، همان، ص ۲۱ و ۲۲.
19. Lizhiyan and Cheng Wen, *op. cit.*, p. 8.
20. *ibid.*, p. 46.
21. *ibid.*, p. 46-47.
22. *ibid.*, p. 47.
23. *ibid.*
24. *ibid.*, p. 60.
25. A. Pop, *Chinese Porcelains from the Ardebil Shrine*, p. 153.
۲۶. هلن گاردنر، هنر در گذر زمان، ص ۷۲۰.
27. Regina Krahl, *Chinese Ceramics in Topkapi Seray Museum, Istanbul*, p. 235.
28. *ibid.*, p. 234.
29. *ibid.*
30. *ibid.*, p. 240.

31. <http://netra.glendale.cc.ca.us/ceramics/koryomeiping.html>.
32. Krah, op. cit., p. 235.
33. http://www.turkey.org.cu/english/chinese_ceramics_in_the_topkapi.html
34. Geza Fehervari, *Ceramic of the Islamic World*, p. 276.
35. idem, *Islamic Pottery*, p. 119.
36. idem, *Ceramic of the Islamic World*, p. 217.
37. ibid.
38. ibid., p. 277.
39. ibid.
۴۰. شهری است [به ناحیت کرمان]، میان سیرگان و بم. — حدود العالم، نقل شده در دهخدا، ذیل «غیرا». — و.
41. Fehervari, *Ceramic of the Islamic World*, p. 277.
42. idem, *Islamic Pottery*, p. 125.
43. ibid.
44. Ernest Grube, *Islamic Pottery*, p. 278.
۴۵. کریمی و کیانی، هنر سفالگری دوره اسلامی ایران، ص ۶۸.
۴۶. «تک رنگ» در توصیف نوعی ظرف سفالی با زمینه رنگی عمدتاً آبی، سبز، قهوه‌ای به کار می‌رود که گاهی جزئیات اندکی با رنگهای دیگری به آن افزوده می‌شود. برخی از این ظروف نیز بدون تزیین است. — فائق توحیدی، فن و هنر سفالگری، ص ۲۸۷.
47. Fehervari, *Ceramic of the Islamic World*, p. 277.
48. ibid.